

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان
ناشی از آن»

مقدمه

با شیوع استفاده از اسید به عنوان وسیله‌ای که می‌تواند موجب آسیب‌های گسترده جسمانی و روانی و در مواردی کشته شدن انسان شود، «اسیدپاشی» به عنوان یکی از اشکال جرائم خشونت‌آمیز در نظام‌های کیفری مختلف جرم‌انگاری شد. مرتکب این جرم از خطرناکی بالایی برخوردار است که سبق تصمیم برای ارتکاب جرم و اعمال خشونت شدید علیه بزه‌دیده نمایانگر این امر است. سه مسئله اساسی در خصوص این رفتار همچون سایر پدیده‌های مجرمانه قابل توجه است. نخست، پیشگیری از وقوع آن، دوم، چگونگی به کیفر رساندن مرتکبان آن و در نهایت، حمایت از بزه‌دیدگان این جرم که دو مسئله اخیر بیشتر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است.

اسیدپاشی در ایران به عنوان رفتاری مجرمانه، سابقه‌ای ۶۰ ساله دارد و ماده‌واحد «قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید» در سال ۱۳۳۷ به تصویب مجلس سنا رسیده است. با این حال، با عنایت به قوانین کیفری مصوب پس از انقلاب اسلامی به نظر می‌رسد ماده‌واحد فوق در خصوص اعمال این کیفرها به طور ضمنی نسخ شده است.

این ماده‌واحد از ایراداتی رنج می‌برد که البته به مدد قوانین و مقررات موجود در قانون مجازات اسلامی می‌توان برخی از آنها را مرتفع کرد؛ زیرا اسیدپاشی، در زمره جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد قرار می‌گیرد که به موجب مواد (۳۸۱) و (۳۸۶)، در صورت وجود شرایط مقرر قانونی موجب قصاص نفس یا عضو می‌شود. با این حال در بیشتر موارد، امکان اعمال قصاص نفس یا عضو وجود ندارد که در این صورت، مطابق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵، مرتکب به حبس تعزیری و پرداخت دیه محکوم می‌شود. همچنین با توجه به اینکه اسیدپاشی از جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد محسوب می‌شود، در صورتی که به طور گسترده انجام گیرد، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد شود، مطابق ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی، افساد فی‌الارض و موجب اعدام است. بنابراین، چنانچه فردی اقدام به اسیدپاشی نماید و عمل وی منجر به مرگ مجنی‌علیه گردد، مرتکب بنا بر قوانین موجود به قصاص نفس و در صورت عدم اجرای قصاص به پرداخت دیه و تحمل حبس از سه تا ده سال و در صورتی که رفتار وی منجر به نقصان یا ازکارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد و امکان قصاص مرتکب وجود نداشته باشد، به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شود که به‌زعم منتقدان، آثار اجتماعی و

مخصوص سخن علمی

مشخصات طرح

دوره دهم - سال سوم

شماره ثبت:

۳۷۹

شماره چاپ:

۱۳۷۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۸/۲/۴

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات حقوقی

سایر دفاتر: مطالعات اجتماعی،

مطالعات آموزش و فرهنگ

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۹۷۲-۱

تاریخ انتشار:

۱۳۹۸/۲/۲۹

شخصی این بزه مقتضی سخت‌گیری بیشتری نسبت به مرتکبان آن است و کیفرهای موجود متناسب نیستند. به ویژه آنکه ارتکاب این جرم امنیت روانی را از جامعه سلب می‌کند و احتمال بزه‌دیدگی و ترس دچار شدن به آن، امنیت اجتماعی را مختل می‌نماید و آسیب‌های شخصی در کنار آسیب‌های اجتماعی، اتخاذ رویکرد سخت‌گیرانه نسبت به مرتکبان جرم اسیدپاشی را توجیه می‌کند.

اما، نکته مهمی که در قوانین کنونی مغفول مانده، لزوم حمایت از بزه‌دیدگان این جرم به دلیل بروز آسیب‌های متعدد است. در حال حاضر، بیشترین حمایت از آنان، در شبکه اجتماعی غیررسمی و سنتی صورت می‌گیرد و بزه‌دیدگان حمایت‌های مادی و معنوی خود را از خانواده، دوستان و آشنایان دریافت می‌کنند. حال آنکه این سطح از حمایت، تأمین‌کننده دامنه محدودی از نیازهای آنان است. در واقع باید اذعان داشت که نقش حمایتی دولت بسیار کم‌رنگ بوده و قوانین و مقررات کیفری و همچنین نظام‌های تأمین اجتماعی در رابطه با تأمین حمایت و ترمیم بزه‌دیدگی کارکرد مطلوبی ندارند. اهتمام جدی به گسترش تدابیر حمایتی به بزه‌دیدگان ضرورتی انکارناپذیر است که بیش از کیفر مرتکبان در رفع آسیب‌های این پدیده در سطح جامعه مؤثر و کارا خواهد بود.

«طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»، دو هدف متفاوت را دنبال می‌کند: نخست، تشدید مجازات اسیدپاشی و دیگری حمایت از بزه‌دیدگان این جرم است. در مقدمه نیز بیش از آنکه بر کمبود کیفر این جرم تأکید کند، تمرکز خود را بر آسیب‌های ناشی از آن قرار داده است و با توجه به پیامدهای سوء این جرم، بزه‌دیدگان آن را نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای می‌داند. در این طرح، افزایش میزان کیفر نیز خود گامی در جهت حمایت بیشتر از بزه‌دیده تلقی شده است.

ارزیابی مصوبه کمیسیون

در مصوبه کمیسیون که ماحصل جلسات کمیسیون و کمیته است، در راستای اهداف طرح، اصلاحاتی اعمال شده است. از جمله آنکه، در ماده نخست، تبصره‌ای افزوده شد تا مانع از تفاسیر مختلف در خصوص واژه پاشیدن شود و آن را مشمول هر نوع به‌کارگیری اسید نماید. در ماده (۲) طرح، در جهت نیل به تناسب میان کیفر و جرم با نگاه به پیامدهای رفتار مجرمانه، میزان کیفر نسبت به کیفرهای تعزیری موجود در «قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید» مصوب ۱۳۳۷ تشدید شده است. البته، یک ایراد به صدر این ماده وارد است. در این ماده عبارت «فرار مرتکب» باید حذف شود؛ زیرا، اگر مرتکب فرار کرده باشد، همان طور که امکان اجرای قصاص فراهم نیست، نمی‌توان وی را به تحمل سایر کیفرها نیز محکوم نمود. از این جهت، پیشنهاد می‌شود عبارت به این ترتیب اصلاح شود: «به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم...».

در تبصره ماده (۲) به منظور تسهیل جبران خسارت بزه‌دیدگان اسیدپاشی و در راستای مقررات موجود در قانون مجازات اسلامی، پیشنهاد شده است که در صورت عدم دسترسی به مرتکب، دیه ابتدا از اموال وی برداشته شود و در صورت عدم امکان وصول دیه از آن، نوبت به بیت‌المال رسد. مگر در فرض عدم شناسایی مرتکب که ابتدائاً از بیت‌المال پرداخت می‌شود. این امر می‌تواند فرایند پرداخت دیه را تسهیل کند. اگرچه، مقررات مشابهی در قانون مجازات اسلامی نیز پیش‌بینی شده است.^۱

مقررات صدر ماده (۳) با توجه به مقررات ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی زاید بود و از این جهت حذف شد و حکم مندرج در تبصره به صدر ماده تبدیل شد. با این حال، پیشنهاد می‌شود که صدر ماده مندرج در طرح اعلام وصول شده به این ترتیب احیا «مجازات شروع به اسیدپاشی حبس تعزیری درجه پنج است» و صدر ماده مندرج در گزارش کمیسیون به تبصره تبدیل شود. دلیل این احیا این است که در حال حاضر، بر اساس ماده (۲) این طرح، با توجه به نتایج حاصله، چند کیفر برای این جرم در نظر گرفته شده است که در هنگام شروع به جرم به دلیل تحقق نیافتن نتیجه مجرمانه، امکان تأسی از طبقه‌بندی مندرج در ماده (۲) فراهم نیست؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود به منظور

۱. مواد (۴۲۵) و (۴۷۴) قانون مجازات اسلامی.

جلوگیری از تشمت آرا و تفاسیر مختلف برای به کیفر رساندن شروع به جرم اسیدپاشی، قانونگذار یک کیفر مشخص را به صراحت ذکر کند.

در ماده (۳) پیشنهادی کمیسیون (تبصره طرح اعلام وصول شده) هم‌راستا با مقررات طرح، به دلیل تأکید بر قطعیت کیفر، اعمال برخی از نهادهای ارفاقی در خصوص مرتکب اسیدپاشی یا شروع کننده به این جرم ممنوع شده است. نکته مهمی که وجود دارد، این است که جرم اسیدپاشی از جمله جرائم هیجانی است که تشدید کیفر و بستن راه‌های ارفاقی تأثیر چندانی بر پیشگیری از ارتکاب این جرم ندارد و اغلب مرتکبین نیز پس از ارتکاب این جرم از کرده خود پشیمان می‌شوند و می‌کوشند که آلام بزه‌دیدگان را کاهش دهند. از این رو، بستن تمامی راه‌های ارفاقی می‌تواند در مواردی انگیزه کمک کردن به بزه‌دیده از سوی مرتکب را سد کند؛ زیرا، گاه همین اقدام مددکارانه می‌تواند از آلام روحی بزه‌دیده بکاهد. از این جهت، در صورت گذشت بزه‌دیده یا اولیای دم امکان تخفیف کیفر پیش‌بینی شد. اگرچه، پیشنهاد همچنان حذف تبصره ماده (۳) و بازگشت به عموماً است؛ زیرا، در حال حاضر تعلیق و تعویق در جرم اسیدپاشی و شروع به آن به موجب ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی ممنوع است و با توجه به تشدید کیفرهای این جرم در ماده (۲) به نظر می‌رسد که وجود برخی از مقررات ارفاقی مانند برخورداری از آزادی مشروط و تخفیف می‌تواند در تعدیل و فراهم کردن امکان فردی‌سازی کیفر مؤثر باشد. حال آنکه، منع تخفیف و آزادی مشروط موجب می‌شود که قضات در هیچ پرونده‌ای نتوانند کوچک‌ترین نهاد ارفاقی را به کار بندند. به ویژه آنکه، سطوح مختلف اسیدپاشی می‌تواند از شدت و ضعف برخوردار باشد و منع مطلق برخورداری از نهادهای ارفاقی به این صورت، تمامی راه‌های فردی کردن را مسدود می‌کند و از این نظر قابل نقد است. از این جهت، پیشنهاد می‌شود که در خصوص منع نهادهای ارفاقی به مواد مندرج در کلیات قانون مجازات اسلامی بسنده شود.

ماده (۴) طرح اعلام وصول شده تکرار مقررات ماده (۱۲۷) قانون مجازات اسلامی بود، از این جهت در راستای اهداف طراحان محترم و هم‌سو با ماده (۲) طرح مذکور، به تفکیک کیفر مباشر جرم، مجازات معاون نیز طبقه‌بندی شد.

در ماده (۵) گزارش کمیسیون، به جبران خسارات وارده به بزه‌دیده پرداخته شده است که می‌توان گفت به نوعی مهم‌ترین ماده طرح به منظور حمایت از بزه‌دیدگان است و هدف دوم طراحان یعنی حمایت از بزه‌دیدگان را محقق می‌سازد. یکی از مسائلی که در خصوص بزه‌دیدگان این جرم از اهمیت بسزایی برخوردار است، هزینه‌های درمانی است که با توجه به از بین رفتن برخی از بافت‌های بدن، هزینه‌های سنگینی را بر بزه‌دیده تحمیل می‌کند. از این رو، جبران هزینه‌های درمانی تصریح و پیشنهاد شد در صورتی که مرتکب تمکن لازم برای پرداخت این هزینه‌ها را نداشته باشد، هزینه‌های مربوط از محل صندوق تأمین خسارت‌های مالی پرداخت شود. به علاوه، با توجه به اینکه در حال حاضر در سازمان بهزیستی کل کشور، مراکزی به منظور ارائه خدمات مختلف به افراد وجود دارد، به موجب تبصره «۲» ماده (۵) پیشنهاد شد تا این مراکز در راستای انجام وظایف کنونی خود، توجه ویژه‌ای به بزه‌دیدگان جرم اسیدپاشی داشته باشند. به علاوه، به منظور پیشگیری از تحمیل هزینه بر صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و نیز سازمان بهزیستی، این امکان فراهم شده است که این نهادها بتوانند برای جبران هزینه‌های خود به مرتکب از باب تسبیب مراجعه کنند.

جمع‌بندی

طرح حاضر با هدف حمایت از بزه‌دیدگان جرم اسیدپاشی و تشدید مجازات این جرم تدوین شده است. با این حال، همچون گذشته و در سایر قوانین، برای حمایت از بزه‌دیدگان بیشترین تمرکز بر افزایش کیفر و تعبیه سازوکارهای کیفری قرار گرفته است. حال آنکه، امکان حمایت از بزه‌دیده و کاهش آلام وی از طریق اعمال کیفر و از مسیر نظام عدالت کیفری با تردیدهایی مواجه است و اثربخشی و کارایی آن نیز به درستی اثبات یا رد نشده است و رفع آسیب‌های آنان نیازمند برنامه جامعی است که بتواند زمینه

کاهش آسیب‌های عاطفی، جبران خسارت و ترمیم را به همراه داشته باشد؛ زیرا، سازوکارهای پیشگیرانه اجتماعی و وضعی و حمایت‌های غیرکیفری، بیش از پیش‌بینی پاسخ‌های کیفری می‌تواند به حل این معضل کمک کند که اگرچه در این طرح در مقایسه با قوانین موجود به آن توجه شده است، اما، نمی‌توان آن را نظام مطلوبی برای جبران خسارات این بزه‌دیدگان تلقی کرد. افزون بر این، در این طرح تلاش شده که از طریق تشدید کیفر از بزه‌دیدگان حمایت شود، حال آنکه در جرائم هیجانی، احساساتی که مرتکب را به سوی ارتکاب این رفتار سوق می‌دهد، گاه به قدری قوی است که وی در هنگام ارتکاب جرم کمتر به کیفر و احتمال اجرای آن می‌اندیشد. از این‌رو، در مقابله با این پدیده و تعبیه راهکار مناسب، شیوه کیفرگذاری بخش کوچکی از مسئله است. آنچه حائز اهمیت می‌باشد، نخست، پیشگیری از رخداد آن و سپس اتخاذ گونه‌های مختلف تدابیر حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان این جرم است که به نظر نمی‌رسد این طرح بتواند این اهداف را به نحو شایسته‌ای محقق کند.

نکته شایان توجه دیگری که وجود دارد، این است که در حال حاضر نگرانی در خصوص کیفر مرتکبان و حمایت از بزه‌دیدگان تنها به جرم اسیدپاشی محدود نمی‌شود. از این‌رو، مناسب است که علاوه بر بزه‌دیدگان اسیدپاشی به سایر بزه‌دیدگان مانند بزه‌دیدگان تجاوز به عنف که آلام و آسیب‌های آنان دست کمی از بزه‌دیدگان اسیدپاشی ندارد نیز توجه گردد؛ زیرا، با تصویب این قانون، در عمل نسبت به بزه‌دیدگان جرائم سنگین نوعی تبعیض شکل می‌گیرد که به نظر قابل پذیرش نیست.

بنابراین، با توجه به تأکید طراحان محترم بر تشدید کیفر، با عنایت به اینکه می‌توان با اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم (مواد ۶۱۲ و ۶۱۴) و آیین دادرسی کیفری اهم دغدغه‌های آنان نسبت به کیفردهی در جرم اسیدپاشی و جرائم مشابه و نیز حمایت از بزه‌دیدگان آنها در چارچوب پیش‌بینی شده در طرح را برطرف کرد و نیز به منظور پیشگیری از تورم و تشتت قوانین کیفری، پیشنهاد می‌شود برای اصلاح مواد پیش‌گفته، طرح، به کمیسیون بازگردانده شود.

